

شادروان مصور خلیل گلریز خاتمه



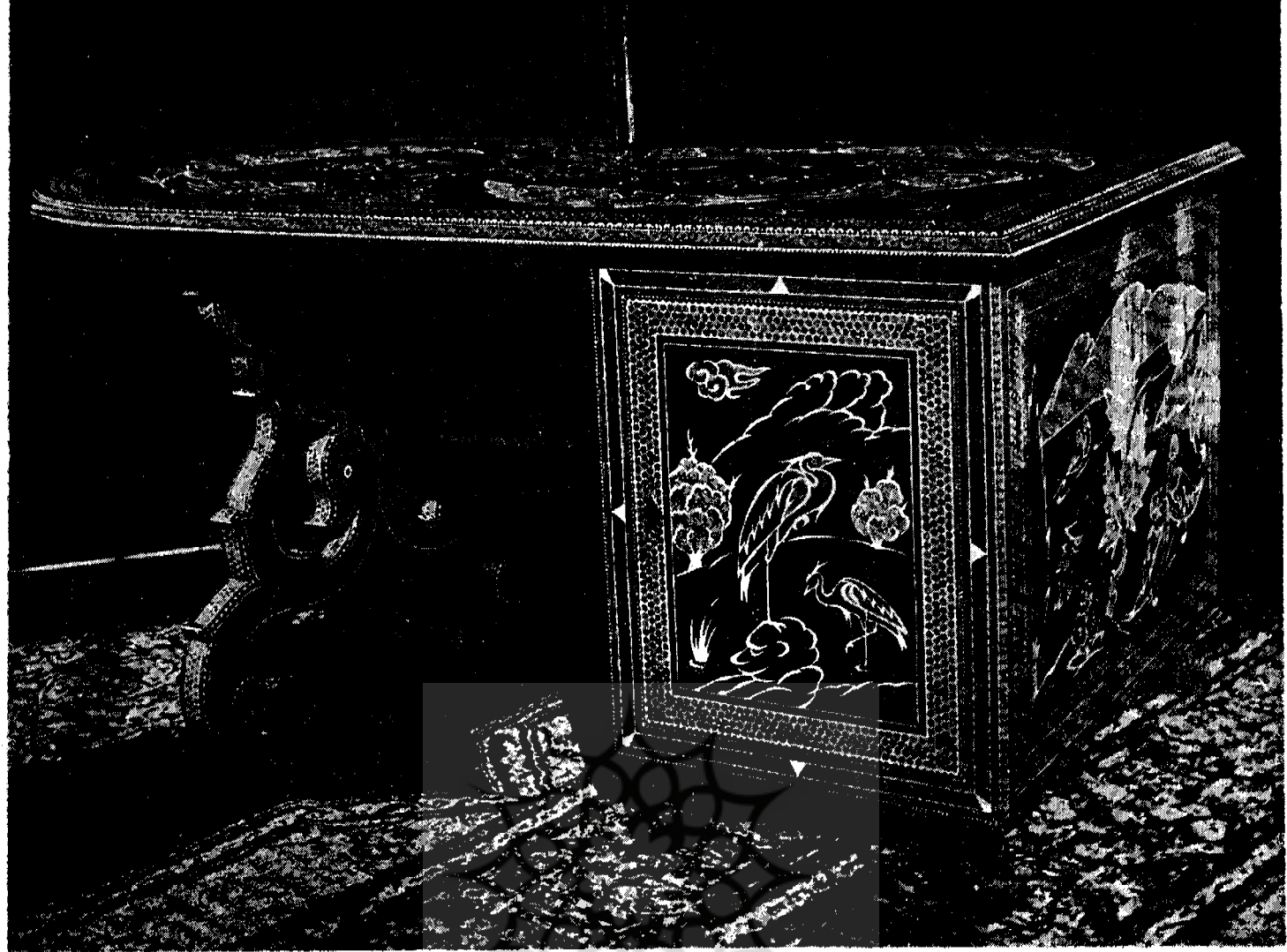
مرحوم حاج خلیل گلریز خاتمی .

۴۱ دیماه گذشته استاد محمد خلیل گلریز خاتمی ، سیمای متمایز هنر خاتم کاری ایران درگذشت . مرگ او برای هنر سنتی ایران دریغ بزرگی است ، چراکه یافتن جانشینی برای او به همان اندازه دشوار است که آفریدن آثاری هم طراز کارهای گرانبایه و ماندنی او

این گفت و شنود يك سال پیش از مرگ استاد با او صورت گرفت ، اما مسافرت نامنتظره نگارنده چاپ آنرا به تأخیر انداخت . از آنجاکه زندگینامه استاد فقید در متن آخرین عقاید و نظرانش درباره «خاتم سازی» و مرور مختصری در سرگذشت این هنر قدیمی ، جانمایه این گفت و گوست ، با درج آن یادش را گرامی میداریم

«شریعت اسلام تصویر انسان و حیوان را تحریم کرد . هنروران مسلمان به تلافی این ممنوعیت طرحهای فراوان با موضوعات و زمینه های متنوع بوجود آوردند . هنرمندی که اندیشه و تخیلش در بند شریعت بود ، در مرحله نخست از اشکال هندسی : خط و زاویه و مربع و مکعب و چند گوشه و مخروط و لولبی و دایره و کره برای بروز استعداد و شکل دادن به رؤیایها و تخیلات هنری اش بهره گرفت و از ترکیب این شکلهای و خطها هزاران طرح نو پدید آورد و شبکه ها و ستاره ها رسم کرد . وقتی به اشکال گیاهی پرداخت به یاری مواد مختلف تاج گل و تاج و گل نیلوفر و خار نقش و شاخ و برگ نخل را تصویر کرد و از قرن دهم از آمیزش همه اینها شیوه معروف ترئین عربی را بدعت گذاشت . بعدها هنرمندان نمونه های تازه تری از ترئین بوجود آوردند و پرندگان و جانوران را در کنار موجودات تخیلی جان بخشیدند و با ادراک و هوشی تیز و سبک رشته های

گونه گون هنر را از خاتم کاری و مینیاتور و سفال کاری و پارچه بافی و قالی بافی روح تازه دادند . تقریباً همیشه اجزای نقش از وحدت و نظم مایه میگرفت و يك طرح یا موضوع بر آن چیره بود . هیچ ماده ای در قبال هنرمند مسلمان سخت نبود و او چوب و فلز و آجر و گچ و سنگ و سفال و عاج و استخوان و شیشه و کاشی را برای تعبیر اشکال و صور هنری خویش بکار میبرد .



میز خاتم - کار ۱۵ سال قبل - تهیه شده بوسیله آقای حاج خلیل گلریز خاتمی که در جشن تاجگذاری از طرف اهالی اصفهان به پیشگاه مبارک والا حضرت همایون ولایتعهد تقدیم گردید. ساخت این میز یکسال و نیم بوسیله ۱۵ کارگر بطول انجامید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

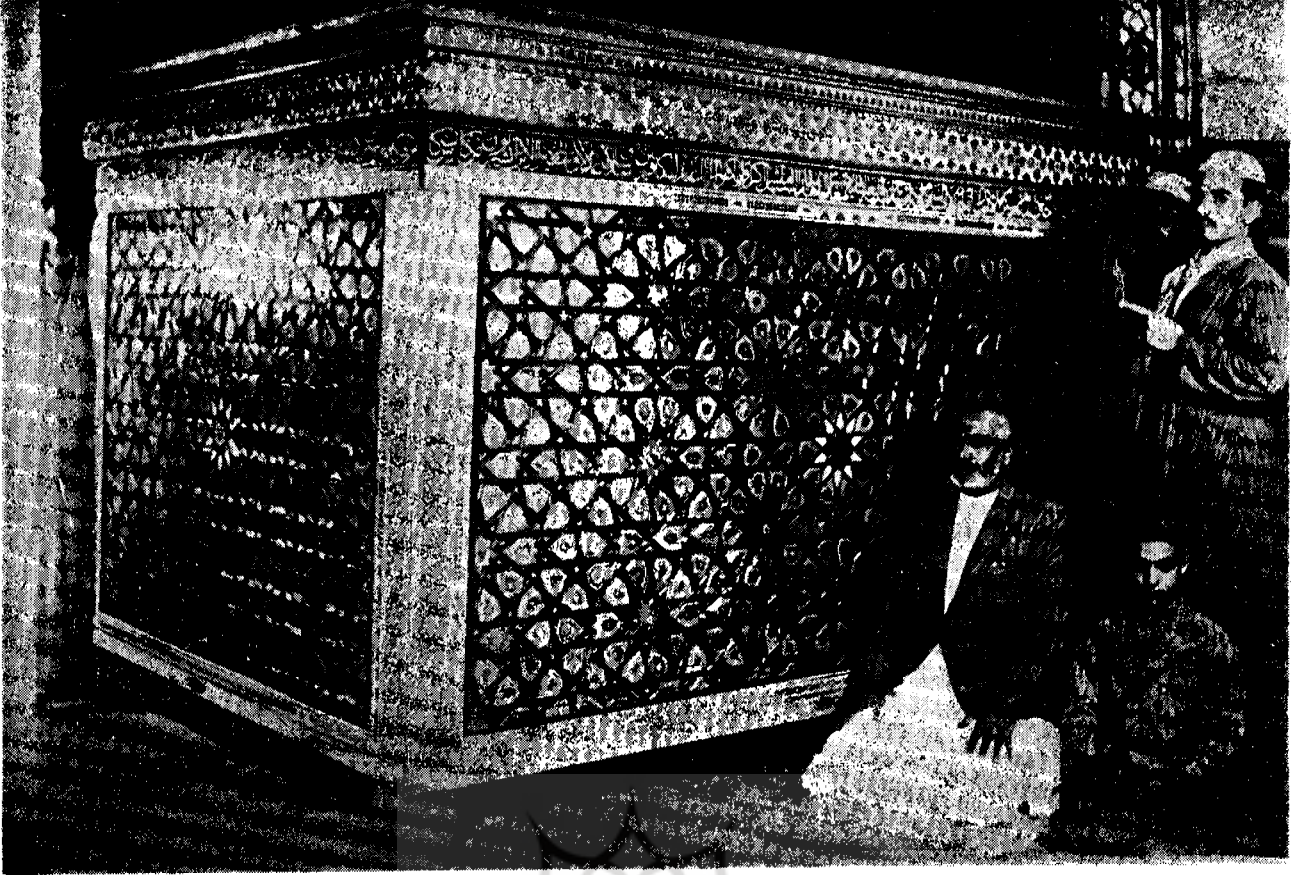
تأثیر گذاشته‌اند. حدود مرز این تأثیر هنوز تحقیق نشده است، اما بدیهی است که آمیزش و همجواری هنر ملت‌ها همیشه به باروری بیشتر و تکامل و غنای آنها کمک کرده است.»

استاد محمد خلیل گلریز خاتمی ۷۷ ساله است. او از میرزترین خاتم کاران امروز است. آثارش در موزه‌ها و تالارهای هنری جهان و تلوو لو مدال‌های طلا و نقره بر سینه‌اش، ارزش و اصالت هنر او را تثبیت می‌کند. گفت و گو با او در کارگاهش در اصفهان دست داد، در میان انبوهی از استخوان‌ها، چوبهای فوفل و یقم و آبنوس هندی و عناب و نارنج ایرانی، ورقه‌های درخشان فلزی برنج، سریشم‌های سرد و گرم... و چشمها

این خصلت نیرومند از یکسو و حکم شریعت از سوی دیگر بزرگترین و بارزترین عامل رشد و قوام هنر خاتم کاری ایران در طول تاریخ و رمز جاودانگی آنست...»

استاد «گلریز» با این مختصر انگیزه رونق و تعالی هنر خاتم کاری را تفسیر میکند. او درباره پیدایش خاتم در ایران عقیده جالب توجهی دارد:

«خاتم یک هنر بسیار قدیمی است. پاره‌ای از محققان میگویند که این هنر از هند به ایران آمده و بعضی دیگر عقیده دارند که اصل و نسب این هنر ایرانی است و هنروران این سرزمین نخستین سازندگان خاتم در جهان هستند. قدر مسلم اینست که هنر خاتم کاری ایران و هند با هم غرابتی دارند و برهم



ضريح خاتم حضرت ابوالفضل در كربلا. تهیه شده بوسیله آقای حاج خلیل گلریز خاتمی در سال ۱۳۳۶.

حتی سعی کردم شکردها و ظرافتها و ریزه کاریهای تازه‌ای به آنها منتقل کنم. بسیاری از خاتم کاران امروز ایران شاگردان دیروز منند. من همیشه به آنها توصیه می‌کردم که با هنرشان زندگی کنند، با آن نفس بکشند، به آن عشق بورزند، در خواب و بیداری آنی از آن جدا نباشند، حتی رؤیاهایشان را با هنرشان پر کنند و به آن احترام بگذارند. من به شاگردانم تأکید می‌کردم که هرگز هنرشان را بخاطر پول و موقعیت و امتیازهای مادی نخواهند. هنر بزرگترین ثروت است و هیچ ثروتی با آن قابل تعویض نیست. هنر یک‌جور عشق و ایمان است. باید از آن یک محراب ساخت و در این محراب مثل شمع ذره ذره آب شد. باید همه چیز را بخاطر آن خواست. باید سخاوتمندانه زندگی را زیر پای آن ریخت. فقط در این صورت است که هنر اصیلی وجود می‌آید.

نگاه استاد گلریز از پشت عینک ضخیمش میدرخشد. شیارهای عمیق چهره مجاله شده‌اش ریاضت‌های او را در پای محرابی که از آن سخن میگفت، فاش می‌کند. او هنرمند را یک‌جور مرتاض میخواند. از این شمع که ۷۷ سال آب شده و روشنائی و گرما بخشیده و سنت‌های کهن را پاس داشته‌است، آیا هنوز چیزی باقی مانده‌است؟

و دستهایی که این مواد بی‌قواره را در کوچکترین ابعاد به بازی می‌گیرند و دنیا‌های خیره‌کننده‌ای از نقشها و حجم‌ها و رنگها می‌آفرینند...

زندگی استاد گلریز با هنر خاتم کاری آمیخته است. جدا کردن این دو از یکدیگر، هریک از آنها را خدشه‌دار می‌کند. او زندگی‌اش را وفادارانه وقف این هنر کرده و در عوض از این هنر جاودانگی را گرفته است. از اینروست که وقتی او زندگی‌اش را تعریف می‌کند، در متن گذشته و حال او، تاریخ و ارزشهای هنر «خاتم» مطرح میشود و هنگامیکه از سرگذشت خاتم می‌گوید، تا به امروز میرسد، لحظه‌ها و خطوطی از سرگذشت خود را نیز باز گفته است.

«ما هفت نسل - پشت در پشت - خاتم کار بوده‌ایم. من آخرین حلقه این زنجیر نیستم. چهار پسرم کار مرا دنبال می‌کنند. آنها این میراث را زنده نگه میدارند. چراغی که قرن‌هاست در خانواده ما روشن است، با وجود آنها و فرزندان آنها گرم و روشن باقی خواهد ماند.»

استاد گلریز ادامه میدهد:

«آنچه پدرم به من آموخت، من به پسرانم آموختم.

استاد گلریز به سخنش ادامه میدهد :

وقت خاتم کاری های کاخ مرمر تمام شد ، تحسین و تمجید بسیار کردند و از من خواستند که هر تقاضائی دارم بیان کنم تا بر آورده شود . من در پاسخ این همه لطف و ستایش فقط يك درخواست داشتم . گفتم :

— فقط میخواهم آزاد باشم . آزادانه کار کنم و بیافرینم و آنچه میسازم همان چیزی باشد که به ذهن و روحم نازل شده است . فقط همین . . .

استاد « گلریز » « خاتم کاری » ایران را در طول تاریخ يك تقدیر گمنام می نامد . او معتقد است :

— اگر چه خاتم به حد مینیاتورهای ایرانی شهرت و اوج نیافت ، اما مقامی کمتر از آنها ندارد . بعضی از آثار خاتم کاری ایران در تمام دنیا نظیر وتالی ندارد و در واقع چکیده ذوق و قریحه بشری است .

« گلریز » معتقد است که عصر صفوی دوره شکوه و رونق خاتم کاری ایران است ، اما در عهد زندیه نیز آفرینش خاتم کاری به شیوه ای نیرومند و با چیرگی بسیار ادامه داشته است . به نظر استاد گلریز خاتم سازی در ایران پیش از اسلام نیز رواج داشته است ، منتهی در آن هنگام خاتم سازان از چوب يك رنگ استفاده میکردند و آنرا بصورت چهار میلیمتر مکعب میبردند و با طرحهای گونه گون روی صفحه ای نصب و میخکوبی میکردند . این شیوه تا چند قرن بعد از اسلام متداول بوده است . نمونه این نوع خاتم را در مسجد جامع شیراز که بیش از هزار سال از عمر آن میگذرد میتوان یافت . هنرمندان ، بعد از نخستین سده های استیلای عرب بر ایران از چوبهای رنگین در خاتم سازی بهره گرفتند . تکامل این روش منجر به خاتم هائی شد که از چوب و استخوان و عاج به اشکال هندسی بطریق گل بندی ساخته میشد . در این نوع خاتم گاه فلزهای زرد یکی از عوامل اصلی بود . بعد از طلا نوبت نقره شد تا وسیله کار هنرمند خاتم ساز قرار گیرد .

در خاتم کاری امروز بیشتر گلهای کوچک و ستاره های درخشانی که از مواد مختلف ترکیب یافته است ، دیده میشود . یعنی قطعات کوچک منظمی از نی و مس و قلع و چوب و عاج ، بریده و آنها را روی سطحی که قبلاً به سریشم آغشته شده است میچسبانند . این نوع خاتم با اندک تغییری از دوره صفویه رایج شد . اصولاً از این زمان خاتم کاری به زندگی بیش از پیش نزدیک شد و اشیاء و لوازم مورد نیاز روزانه با خاتم تزئین یافت . رحل قرآن و صندوقچه های کوچک و جعبه های آرایش ، قاب شانه ، صندلی و میز و قلمدان و خوانچه ، جعبه آئینه و آئینه گردان پایه دار ، شمعدان و زیر مردنگی به خاتم آراسته شدند . در عهد زندیه خاتم با هم بیشتر روح و حرمت و اعتبار یافت . صندوق های مقبره ائمه اطهار که در این دوره

— خاندان من در شیراز بسر میبرد . اصولاً شیراز مهد خاتم کاری ایران است ، در سال ۱۳۱۵ که هنرستان اصفهان دایر شد ، من برای تدریس به آنجا دعوت شدم . در حدود هفت هشت سال است که بازنشسته شده ام . در این سی سال در کلاس و کارگاه زندگی کردم . و حالا خوشحالم که می بینم ثمره کوشش ها و فعالیت هایم مثل شاخ و برگ يك درخت تناور ، انبوه و ستبر شده اند .

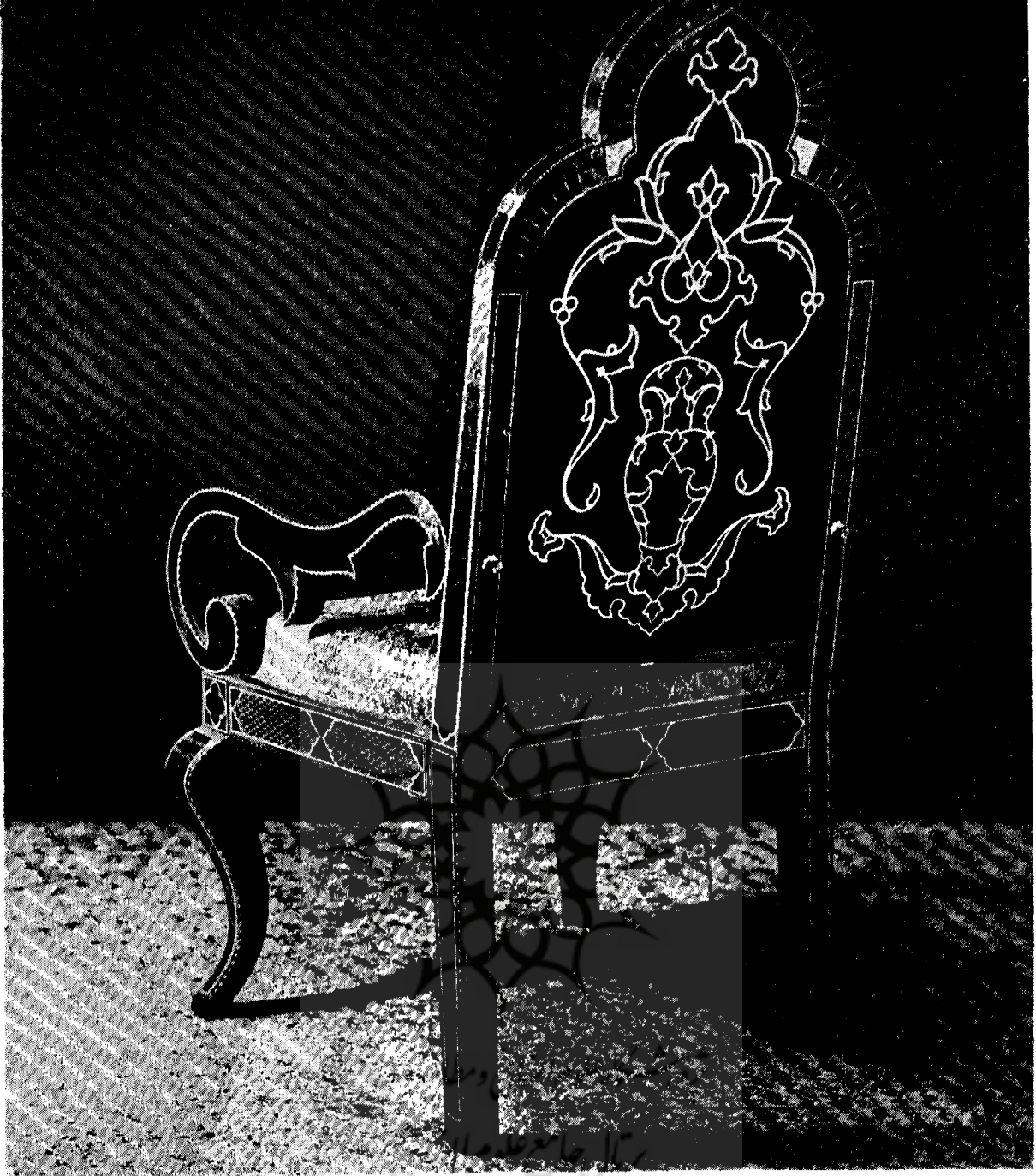
هرگز علاقه ای به کسب مدال و شهرت نداشته ام . هنر با این حرفها سازگار نیست . وقتی هوسهای مادی از يك در می آیند ، هنر از در دیگر خارج میشود . با اینهمه اگر هنر صمیمی و معتقد به خود باشد ، درهای شهرت و پیروزی هم خود بخود بروی هنرمند باز میشود .

در طول زندگی هنری ام که به ۶۰ سال سر میزند ، مدالها و جوایز متعددی دریافت داشته ام ، معتبرترین اینها دریافت دیپلم دونور از نمایشگاه جهانی بروکسل ، شرکت در نمایشگاه بین المللی ژاپن و دریافت يك مدال از آنجا و به سال ۱۹۶۳ موفقیت در نمایشگاه جهانی رم بود . اما این موفقیتها و مدالها از نظر من فتوحات هنری نیست . آنچه به آن می بالم و بعنوان قله هنرم از آن یاد می کنم ، کارهائی است که در کاخ مرمر انجام داده ام .

سال ۱۳۱۴ بود . ما ۸۸ خانم کار بودیم که شبانه روز کار میکردیم تا یکی از شاهکارهای هنر ایران بوجود آید . با ۳۸۰ متر مربع خاتم اتاق و دیوار و سقف کاخ را پوشانیدیم . ما در اتاق معروف آئینه کار میکردیم . میز تحریر و لوازم تحریر منحصر به فردی نیز تزئین اتاق شد که بهترین و ظریفترین نوع خاتم در ساختن آنها بکار گرفته شد .

این کار بزرگ که سرپرستی قسمت عمده آنرا من داشتم ۴ سال بطول انجامید . چهار سالی که من در هر لحظه اش می کوشیدم دقایق الهام و آفرینش هنری را از یکسو و تجربه و فن را از سوی دیگر با هم بیامیزم و از این آمیزش محصول یگانه ای بوجود آورم . روز آخر کار ، در این اتاقهای پوشیده از خاتم ، اقیانوسی از رنگهای متنوع و چشم نواز در زمینه چوبها و عاجها میدرخشید .

انگار يك رؤیای رنگین را تصویر کرده بودیم . طرحهائی که ظرافت آنها گاه با بدیهه سازی قاطعی شده بود و گاه به تکنیک دشوار و در عین حال محکمی نزدیک میشد . مثل این بود که تاریخ را در این اتاقها و درها و پنجره ها و میزها نمایش داده بودیم .



صندلی خاتم - موجود در نمایشگاه اختصاصی فروشگاه گلریز خاتمی .

این وضع برای مدت زیادی نمیتوانست دوام آورد. یا رستاخیزی تازه و یا اضمحلال و سقوط خاتم باید هر چه زودتر فرا میرسید. ضرورت همیشه مادر تحول است . اینک در حدود ۴۵ کارگاه خاتم‌سازی در اصفهان و ۲۵ کارگاه در شیراز فعالیت دارند . کمیت افزایش یافته است . کیفیت اگرچه پا به پای کمیت پیش نرفته ، اما تکان خورده و اگر از موارد استثنائی درگذریم ، میتوانیم موقعیت خاتم‌کاری امروز را مطلوب بخوانیم . . .

خاتم‌کاری شده‌است، بهترین گواه ذوق و قریحه بارور هنرمندان این عصر است . نقش گل‌بندی و رنگ‌آمیزی این آثار خاتم‌شده که به اشکال هندسی : مربع و مثلث و مخمس و مسدس است ، از ظرافت و تبهر بی‌مانندی برخوردار است . در زمان قاجار «خاتم» پیشرفتی ندارد ، اما به‌راه سقوط هم نمی‌افتد . در این گوشه و آن گوشه هنرمندانی هستند که اجاق این هنر را گرم نگاه دارند . از ابداع و ابتکار جدید خبری نیست ، ولی شیوه‌های قدیمی خاتم‌سازی با همان قدرت و مهارت ادامه دارد .